

بازخوانی مفهوم «ذنب» پیامبر اکرم (ص) با روش معناشناسی ساختاری

فاطمه آگهی^۱

رحیمه شمشیری^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۹، پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶، صفحه ۱۸۱ تا ۲۰۲ (مقاله پژوهشی)

چکیده

«ذنب» از واژگان کلیدی حوزه معنایی مفاهیم گناه در قرآن کریم است که در مواردی به پیامبران الهی از جمله پیامبر اسلام (ص) نیز نسبت داده شده است. از دیرباز میان عالمان مسلمان، درباره نسبت ذنب و استغفار به پیامبر اکرم (ص) و چگونگی آن ابهام وجود داشته است و علی‌رغم تلاش‌های متعدد، هنوز معنای دقیقی درباره آن ارائه نشده است. در این مطالعه در صدد تبیین معنای ذنب پیامبر اکرم (ص) با روش معناشناسی ساختاری و بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی ذنب در آیات ایم. بدین منظور، خواهیم کوشید تا نخستین گام پژوهش در تاریخ انگاره مفهوم ذنب پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم را برداریم. می‌خواهیم از این فرضیه دفاع کنیم که مفهوم ذنب در قرآن هرگونه بی‌توجهی به عهد و پیمان با مافوق است. ذنب منتسب به پیامبر اکرم (ص) نیز مرتبط با عهد و میثاق الهی با ایشان در زمینه رسالت و وظایف مربوط به آن است و غالباً به مواردی هم‌چون استعجال در تحقق وعده‌های الهی در رسیدن فتح و نصرت الهی و عذاب کافران اشاره دارد.

کلیدواژه‌ها: ذنب، عصمت انبیاء، خطیبه، گناه، عهد، میثاق.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

fatima.agahi@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران.

shamshiri@kub.ac.ir

درآمد

حوزه معنایی گناه در قرآن کریم دارای مفاهیم متعددی مانند سیئه، اثم، سوء، معصیت، ذنب، خطیئه، جرم، حث، لَمَم، منکر و حوب است که مطابق علم معناشناسی، میان این مفاهیم مترادف تام وجود ندارد. در میان این مفاهیم، تنها دو مفهوم «ذنب» و «خطیئه» درباره انبیاء الهی هم چون حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع) و نیز پیامبر اکرم (ص) به کار رفته است.

در سه آیه از قرآن کریم «ذنب» — منحصرًا در ساخت مفرد — با ضمیر فاعلی به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده شده است (غافر/ ۵۵؛ محمد/ ۱۹؛ فتح/ ۲). افزون بر آیات پیش گفته، در دو آیه نیز پیامبر اکرم (ص) امر به استغفار شده است (نصر/ ۳؛ مؤمنون، ۱۱۸). با توجه به اجماع مسلمانان بر عصمت پیامبر اکرم (ص)، انتساب ذنب به ایشان از دیرباز همواره مورد توجه عالمان مسلمان در حوزه‌های مختلف فقه، کلام، عرفان و تفسیر بوده و تلاش‌ها بر حل این مسئله، منجر به صدور و بروز آراء متفاوتی در این موضوع شده است که گاه با سیاق آیات ذنب و گاه با عصمت پیامبر اکرم (ص) در تعارض بوده است.

افزون بر تفاسیر فریقین ذیل آیات ذنب و استغفار پیامبر اکرم (ص)، در مقالات بسیاری مستقیم و غیر مستقیم از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته شده است. دو نمونه از مهم‌ترین مقالات عبارت اند از مقاله سید محمود طیب حسینی با عنوان «نقد دیدگاه‌های مفسران در مورد استغفار پیامبر از گناه در آیه ۵۵ غافر» (مطالعات تفسیری، پاییز ۱۳۹۳ش، شماره ۱۹) و مقاله دیگر همان مؤلف به همکاری مطهره سادات طیب حسینی با عنوان «بررسی و نقد دیدگاه قاموس قرآن در معنای ذنب منسوب به پیامبر (ص) در قرآن مجید» (تحقیقات کلامی، بهار ۱۳۹۷ش، شماره ۲۰).

طیب حسینی در مقاله نخست خود، ضمن نقد و بررسی آرای مفسران درباره ذنب مورد اشاره در آیه ۵۵ غافر، با استناد به سیاق آیات ۵۱ تا ۵۵ سوره غافر و ترسیم فضای نزول آیات مذکور مقصود از ذنب پیامبر (ص) را خطورات ذهنی و حدیث نفسی دانسته است که گاهی به طور ناخودآگاه و به مقتضای طبیعت بشری پیامبر در شرایط سخت مکه، نسبت به کند شمردن تحقق وعده خداوند در یاری پیامبر و مؤمنان به ذهن آن حضرت آمده است. در یک کلام او آیه را ناظر به یک واقعیت اجتماعی به منظور تبلیغ وحی و دعوت امت به رستگاری و چالش‌ها و مشکلات پیش روی آن دانسته است (طیب حسینی، ۱۳۹۳ش، ۷-۲۴).

وی در مقاله دوم ضمن بدیع، متعالی و بی بدیل خواندن دیدگاه علی اکبر قرشی در معنای ذنب

پیامبر درخصوص آیه ۵۵ سوره غافر، درصدد نقد آن در خصوص آیه ۲ سوره فتح برآمده است؛ وی به دلیل تاب ناآوری سیاق آیات سوره فتح و تفاوت آن با سیاق آیات غافر و محمد، دیدگاه قرشی پیرامون ذنب پیامبر در سوره فتح را نپذیرفته و به نقد کشانیده است و در ادامه دیدگاه علامه طباطبایی را دیدگاه برتر و صحیح‌تر دانسته است (طیب‌حسینی، ۱۳۹۷ش، ۱۰۱-۱۱۶). اکنون در این مطالعه برآنیم تا با کاربست روش معناشناسی و تحلیل مفاهیم هم‌نشین و جانشین، مفهومی یکسان از ذنب در آیات مرتبط با ذنب پیامبر ارائه دهیم.

تجربه تحقیق‌های نوین معناشناختی در حیطه قرآن کریم نشان می‌دهد که انتخاب دیدگاه متفاوت در مسئله دلالت و شکل‌گیری معنا، افق‌های تازه‌ای از معنای کلام الهی را به روی ما می‌گشاید. البته، این به معنای بی‌نیازی از کار گذشتگان نیست، بلکه معناشناسی نوین ابزاری است که فرآیند تولید معنای متن را به گونه‌ای روشمند و نیز با سطح تحلیل عمیق‌تری به دست می‌دهد. این پژوهش از رویکرد معناشناسی ساختاری بهره گرفته است.

اندیشه بنیادین و اولیه نگرش ساخت‌گرا نسبت به معنی، به نگاهی باز می‌گردد که باید به زبان داشت. در این نگاه، زبان مجموعه‌ای از اقلام و اجناس نیست، بلکه نظام ارزش‌هاست و یک واژه به خودی خود معنایی ندارد و قرار گرفتن در رابطه با دیگر واژگان زبان است که جایگاه و به تبع معنای واژه را تعیین می‌کند. درواقع معنای هر واژه، همان جایگاه واژه در ساختار و نظام معنایی آن زبان است. ساختار معنایی زبان، حاصل پیوند متقاطع محورهای هم‌نشینی و جانشینی است که مجموعاً شبکه معنایی یک زبان را به دست می‌دهد (نک: لاینز، ۱۳۹۱ش، ۱۴۵-۱۵۲؛ مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۸ش، ۶۵-۷۲).

مقصود از رابطه هم‌نشینی، ترکیب واحدهای زبانی (مانند واژه‌ها) برای تشکیل یک زنجیره کلامی (مانند جمله) است. عناصر هم‌نشین بر معنای واژه تأثیر می‌گذارند و مؤلفه‌هایی را بدان می‌افزایند؛ هم‌نشینی به تغییر معنایی واژگان در جهت افزایش یا کاهش معنایی منجر خواهد شد. مقصود از روابط جانشینی، امکان جای‌گزینی یک واحد زبانی به جای واحد دیگر در زنجیره‌ای واحد یا زنجیره‌ای مشابه است (سوسور، ۱۳۷۸ش، ۱۷۵-۱۷۶؛ بی‌یرویش، ۱۳۵۵ش، ۳۱-۳۰).

مفاهیم هم‌نشین و جانشین ذنب در آیات، نقش کلیدی در تعیین معنا و مؤلفه‌های معنایی ذنب و تمایز آن از دیگر واژگان حوزه معنایی گناه در مقطع زمانی مورد استعمال آن، یعنی عصر نزول قرآن کریم دارند.

طرح مسئله

نسبت ذنب به پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم، از موضوعاتی است که موجب بحث‌های دامنه‌داری میان عالمان علوم اسلامی شده است. انگاره عصمت پیامبر اکرم (ص) از گناهان با تقریرهای مختلف، به اجماع مسلمانان نسبت داده شده است (بروسوی، اسماعیل؛ بی‌تا، ۱/ ۱۰۵. بغدادی، ۱۴۱۵ق، ۲/ ۲۸۵. ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲ق، ۱/ ۱۳۲). عالمان مسلمان در طول تاریخ با پیش‌فرض این انگاره، به حل تعارض آن با نسبت ذنب به پیامبر اکرم (ص) در آیات پرداخته و راه‌های مختلفی در تعیین ذنب و موضوع استغفار پیامبر اکرم (ص) پیموده‌اند؛ اما غلبه نگاه‌های کلامی و عدم تطبیق آن با سیاق تمامی آیات ذنب و استغفار پیامبر اکرم (ص) مانع از پذیرش این آراء است.

با توجه به آن چه گذشت جای طرح چند پرسش وجود دارد: اولاً، عالمان مسلمان چه فهمی از ذنب پیامبر اکرم (ص) داشته‌اند و این فهم متأثر از چه قرائنی بوده است؟ سیاق آیات یا دیدگاه‌های کلامی؟ ثانیاً، بررسی مفاهیم هم‌نشین و جانشین ذنب در آیات، چه معنایی از ذنب پیامبر اکرم (ص) در قرآن ارائه می‌دهد؟ ثالثاً، نتیجه حاصل از معناشناسی ساختاری ذنب، منطبق بر سیاق تمامی آیات ذنب و استغفار پیامبر اکرم (ص) است؟ برای دست‌یابی به پاسخ این سؤال‌ها و ارائه معنای صحیح ذنب پیامبر اکرم (ص) در قرآن لازم است ابتدا نگرش عالمان مسلمان به مفهوم ذنب، سپس مفاهیم هم‌نشین و جانشین ذنب در قرآن و در پایان آیات مربوط به ذنب پیامبر را به ترتیب نزول مورد مطالعه قرار دهیم.

لازم به ذکر است پیش از این در مقاله «صورت‌بندی گناه در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی ذنب» تلاش شد تا با استفاده از منابع زبان‌های سامی و با تحلیل واژگان هم‌نشین و جانشین ذنب، ریشه‌ها و مؤلفه‌های بنیادین این واژه و صورت‌بندی حاصل از آن در قرآن کریم روشن شود. اکنون در این مطالعه با اتکاء به نتایج حاصل از مقاله پیش گفته و نیز استفاده و استناد از برخی مقدمات بحث در آن، برآنیم تا مفهوم ذنب در سیاق انتساب به پیامبر اکرم (ص) را بازکاوییم.

۱. نگرش عالمان مسلمان به مفهوم ذنب

الف) آراء لغویان

مهم‌ترین داده‌های لغوی درباره ذنب در سه محور بدین قرار است؛ نخست، یکی از معانی یادشده برای ذنب، دُم، دنباله و تبعیت، تأخر، انتهای یک چیز است. در کتب لغت متقدم و متأخر

عربی، از دم و دنباله هم‌چون یکی از معانی ماده سه حرفی ذنب یاد شده است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۸/ ۱۹۰؛ ازهری، بی‌تا، ۱۴/ ۳۱۶؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۱/ ۳۰۶).

دومین معنا از ذنب در کتب لغت، دلو (بزرگ) پرآب و بهره و نصیب است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۸/ ۱۹۰؛ ازهری، بی‌تا، ۱۴/ ۳۱۶؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۱/ ۳۰۶). اولین تلاش برای مرتبط ساختن معنای دم و دنباله با دلو، از سوی ابوهلال عسکری است؛ وی هر دو معنا را از یک منشأ دانسته و در وجه تسمیه دلو به ذنب، به دسته دلو هم‌چون «دنباله» اشاره می‌کند (ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق، ۲۲۳).

سومین معنای مذکور برای ذنب جرم و گناه است. خلیل ذنب را به اِثم و معصیت (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۸/ ۱۹۰)، جوهری به جرم (جوهری، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۱۲۹) و ابن‌منظور به جرم و معصیت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱/ ۳۸۹) معنا کرده‌اند.

ابن‌فارس، با اشاره به استقلال ریشه‌ای این سه معنا، قول به اشتراک لفظی دارد؛ اما ابوهلال عسکری و غالب افراد پس از او مانند راغب و متأخران، هر سه معنا را به یک ریشه بازگردانده و قائل به اشتراک معنایی هستند (نک: آگهی و جلالی، ۱۳۹۸ش، ۴۷-۴۸).

ب) چگونگی ساخت «ذنب» در معنای گناه در زبان عربی

به منظور اعتبارسنجی مؤلفه‌های معنایی ارائه شده در کتب لغت، به ریشه‌شناسی ماده ذنب در خانواده زبان‌های سامی پرداختیم. تحلیل ریشه‌شناسی نشان داد، ذنب در معنای «دم» و ذنب در معنای «نصیب و بهره»، مشترک لفظی هستند. ذنب در معنای دم، ریشه در ماده آفر و آسیایی «ژینب»^۱ به معنای دم^۲ دارد (Orel & Stolbova, 1994, 554)؛ اما ذنب ریشه در ماده آفر و آسیایی «ژینب»^۳ دارد که به معنای ظرف کدوماند و بطری کاربرد داشته است (Orel & Stolbova, 1994, 456).

ریشه‌شناسی، گواه این حقیقت است که با وجود فراوانی کاربرد ماده ذنب در نیای عربی و خانواده زبان‌های سامی؛ اما در هیچ یک از این زبان‌ها، به معنای «گناه» کاربردی نداشته و سابقه کاربرد تنها به قرآن کریم بازمی‌گردد. در قرآن کریم نیز ذنب هم‌چون مفهومی از حوزه معنایی گناه، منحصر در دو ساخت ذنب و ذنوب است. با توجه به عدم تصریف ماده ذنب در معنای گناه

-
1. žinab
 2. tail
 3. žinb

در عربی قرآنی، می‌توان گفت این معناسازی از ذنب احتمالاً در زمانی نزدیک به نزول قرآن اتفاق افتاده است (نک: آگهی، ۱۳۹۸ش، ۴۸-۵۰).

پ) نگاهی گذرا بر فهم‌های مفسران از ذنب پیامبر اکرم (ص)

در طول تاریخ تفسیر، دیدگاه‌های متعددی درباره مفهوم یا مصداق ذنب و استغفار پیامبر اکرم (ص) ارائه شده است.

گرچه بررسی این موضوع و واکاوی چرایی اخذ چنین دیدگاهی توسط جریان‌های مختلف خود موضوع مستقلی است، برپایه یک نگاه اجمالی به سیر تاریخی آراء مفسران درباره ذنب پیامبر اکرم (ص) ذیل آیات سه گانه سوره‌های محمد، غافر و فتح، می‌توان گفت، فارغ از مذهب و گرایش فکری مفسران، نخستین دیدگاه‌های موجود در منابع تفسیری در سده‌های متقدم به ترتیب تاریخی عبارت اند از: ۱) ذنبی متعلق به شخصی غیر از پیامبر اکرم (ص)، اعم از ذنب آدم ابوالبشر و ذنب امت پیامبر (تستری، بی‌تا، ۱۴۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۳/۲۱۰؛ ۲) گناهان صغیره پیامبر (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۶/۴۹)؛ ۳) ذنب مشرکان در ارتباط با پیامبر یا همان دیدگاهی طبرسی از سید مرتضی (د ۴۳۶ق) نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۸/۷۲۱)؛ ۴) گناهان پیامبر اکرم (ص) قبل از نبوت (قشیری، ۳/۳۱۱)؛ ۵) استغفار از ذنب از روی تعبد و اظهار بندگی برای ازدیاد درجات پیامبر و سنت شدن آن برای امت (بغوی، ۱۴۲۰ق، ۴/۱۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۶ش، ۸/۸۲۱)؛ ۶) ترک اولی و افضل (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۷/۵۲۵). در دوره متأخر، مفسران غالباً دیدگاه‌های متقدم را نقل، یکی را برگزیده و شواهدی بر تأیید آن ارائه داده‌اند. به‌ندرت تفسیری دیده شده که نظری متمایز از آراء متقدمان ارائه دهد (نک: طب‌حسینی، ۱۳۹۳ش، ۱۰-۱۸).

در دوره معاصر دو دیدگاه علامه طباطبایی و علی‌اکبر قرشی مطرح شده که هر دو دیدگاه اهمیت ویژه دارد؛ علامه طباطبایی با فرض ارتباط لغوی «ذنب» با معنای «دُم، دنباله، پیامد»، مراد از «ذنب» پیامبر اکرم (ص) را تبعات بد و آثار خطرناک دعوت ایشان نزد مشرکان دانسته که پیامبر (ص) را در نگاه آن‌ها، مستحق عقوبت می‌ساخت. مغفرت خداوند نسبت به گناهان پیامبر اکرم (ص) عبارت است از پوشاندن آن‌ها و ابطال عقوبت‌هایی که به دنبال دارد به این صورت که شوکت و بنیه قریش را از آنان گرفت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۸/۲۵۴).

قرشی در دیدگاهی متفاوت از دیگران، ذنب پیامبر را در آیات سه گانه پیش گفته خطورات ذهنی پیامبر اکرم (ص) و نگرانی‌های او درباره توفیق و پیشرفت اسلام و نیز تنگی خاطر ایشان دانسته

است. او تفصیل مطلب را ذیل ماده «ذنب» در قاموس و نیز ذیل تفسیر آیه دوم سوره فتح در احسن الحدیث آورده است (قرشی، ۱۳۷۷ش، ۹/۳۷۶؛ ۱۰/۱۹۳؛ ۲۲۱-۲۲۲، ۲۲۵-۲۲۶؛ همو، ۱۳۷۱، ۳/۲۴-۲۸). در این میان، دیدگاه علامه طباطبایی، نظر رایج و مقبول مفسران پس از او است.

در یک نگاه کلی صرف نظر از دیدگاه قرشی که متکی بر سیاق آیات است، سایر دیدگاه‌ها را می‌توان در سه مورد دسته‌بندی کرد: ۱) ذنب، گناه در اصطلاح کلامی آن است؛ اعم از گناهان صغیره (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۹/۱۶۸) یا گناهان مربوط به قبل از بعثت پیامبر (ص) (همان؛ قشیری، بی‌تا، ۱/۳۱۲)؛ ۲) ذنب، ترک اولی (گناه نسبی) و استغفار از ذنب، جهت ازدیاد درجات است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۲۷/۵۲۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۵/۶۱؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ۹/۲۶۶؛ کاشانی، بی‌تا، ۶/۱۴۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۴/۳۴۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۸/۲۵۶)؛ ۳) ذنب اشاره به گناه شخصی جز پیامبر اکرم (ص) است؛ اعم از ذنب حضرت آدم (ع) (تستری، بی‌تا، ۱۴۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۳/۲۱۰)، مطلق گناهان امت پیامبر اکرم (ص) (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۹/۱۶۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۸/۲۵۴؛ ملافتح الله کاشانی، ۱۳۳۶ق، ۱۵۵) و خصوص گناهان امت در حق پیامبر اکرم (ص) (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ۹/۲۶۶). در این دیدگاه امر به استغفار از ذنب نیز خطاب و دستور تعلیمی برای امت و تشویق ایشان به توبه است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳ق، ۵/۵۱۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۱۳۸).

در مجموع سه دیدگاه یاد شده، قائلان به دو دیدگاه اول، فاعل ذنب را پیامبر اکرم (ص) می‌دانند؛ اما دیدگاه سوم، ذنب را از پیامبر اکرم (ص) نفی می‌کند و به دیگران نسبت می‌دهد. با دقت در آراء، اختلاف مفسران در تعیین مصداق ذنب دلیل مشخصی دارد. ایشان بدون ارائه قرائن متنی از آیات، سعی بر ارائه تحلیلی از ذنب پیامبر اکرم (ص) داشته‌اند که با پیش‌فرض ایشان مبنی بر عصمت پیامبر اکرم (ص) از گناه سازگار باشد. این کوشش تا جایی پیش رفته که غالب متأخران درصدد نفی این ذنب از شخص پیامبر اکرم (ص) و نسبت دادن آن به دیگری برآمده‌اند. غالب این آراء حاصل غلبه گفتمان‌های کلامی بر خوانش آیات ذنب پیامبر اکرم (ص) است و تنها با قطع نظر از سیاق آیات و نیز نتایج ریشه‌شناسی ماده ذنب می‌تواند صحیح باشد. اکنون با روش ساختاری و با بررسی مفاهیم هم‌نشین و جانشین، به واکاوی معنای ذنب در آیات می‌پردازیم.

۲. مفاهیم هم‌نشین با ذنب در قرآن کریم

مهم‌ترین مسئله در تعیین معنای ذنب در مقطع زمانی نزول قرآن، بررسی بافت کاربردی آیات

است. ذنب ۳۵ بار منحصرأ در دو ساخت اسمی ذنب و ذنوب در ۲۲ سوره از قرآن کریم به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۷۹ش، ۲۷۶). با مرور بر این کاربردها درمی‌یابیم که مفهوم ذنب در مقایسه با دیگر مفاهیم حوزه معنایی گناه (جز خطیئه) از هم‌نشین‌های کاملاً متفاوتی برخوردار است که در تعیین معنا و مؤلفه‌های معنایی آن نقش اساسی دارند. بیش‌ترین بسامد هم‌نشینی مربوط به ۱۸ مورد ماده «غفر» و ۱۲ مورد با ماده «عذاب» است. دیگر مفاهیم هم‌نشین که در کشف معنای ذنب در قرآن نقش اساسی دارند، مفاهیم «عهد و میثاق»، «وعدالله»، «نصرالله»، «فتح»، «ایمان»، «صبر» و «استغفار» است.

الف) عهد و میثاق

مفهوم ذنب ارتباط معناداری با دو مفهوم عهد و میثاق (رابطه دو جانبه) دارد. آیات قرآن، از عهد و میثاق خداوند با افراد مختلفی مانند مؤمنان (بقره/ ۸۳-۸۴)، اهل کتاب (آل عمران/ ۱۸۷؛ مائده/ ۱۲-۱۴؛ نساء/ ۱۵۴-۱۵۵) و پیامبران (احزاب/ ۷) سخن گفته است. عهد و میثاق هر گروه متفاوت از دیگری است. عهد (میثاق) الهی، در قرآن ارکانی دارد: عهدگذار، عهدپذیر و مفاد عهد.

در میثاق و عهد الهی با مؤمنان که با توجه به آیات، مفهوم «ایمان» است، خداوند، هم‌چون عهدگذار و مافوق، بندگان، هم‌چون عهدپذیر و پیامبران الهی، هم‌چون واسطه رساندن عهد هستند. این عهدنامه مفادی دارد که طی آن، وظیفه و تکلیف دو طرف پیمان مشخص شده است. تکلیف بندگان ایمان به خداوند و عدم عبادت شیطان (رعد/ ۲۰؛ یس/ ۶۰-۶۱؛ بقره/ ۲۷)، ایمان به رسولان او و یاری ایشان (آل عمران/ ۱۸۷) و عدم هرگونه سستی و تخلف از عهد و پیمان الهی است (آل عمران/ ۱۴۶).

طرف دیگر این عهد و میثاق، خداوند است که وعده آمزش ذنوب و سیئات، نصرت و پیروزی بر مخالفان و وارد کردن آن‌ها به بهشت را هم‌چون «وعدالله» داده است (مائده/ ۱۲). وفاداری به عهد و پیمان‌ها در قرآن دو طرفه است و وفای به عهد خداوند و تحقق وعدالله، در گروه وفاداری افراد به عهد و پیمان الهی است (بقره/ ۴۰). عهد خداوند مورد سؤال است (احزاب/ ۱۵) خداوند افرادی که به عهد الهی وفا کنند را دوست دارد (آل عمران/ ۳۶ و ۷۶) مؤمنان با رعایت عهد الهی (مؤمنون/ ۸)، صادقانه وفای به عهد دارند (بقره/ ۱۷۷) و مصداق آیه «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» اند (احزاب/ ۲۳) که اجرای عظیم در انتظار آن‌ها ست (فتح/ ۱۰).

غالب کاربردهای ذنب در بافت آیات مربوط به پیمان‌های الهی قرار دارد و ناظر بر نوعی خلل در پای‌بندی یا عمل به مفاد عهد و میثاق است. پیمان‌شکنان به دلیل عدم رعایت عهد الهی مورد مذمت قرار گرفته‌اند (بقره/ ۱۰۰). صورت فاعلی از ذنب در آیات وجود ندارد و جانشینان آن «مجرم»، «فاسق» و «خاطی»، کسی است که با وجود میثاق و عهد با خداوند، آن را نقض کرده است (بقره/ ۲۷ و ۱۰۰؛ اعراف/ ۱۰۲-۱۰۳؛ رعد/ ۲۵).

آیات ۹۹-۱۰۱ سوره بقره، به «نبذ عهد الهی» توسط پیمان‌شکنان اهل کتاب اشاره دارد: «وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ. أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره/ ۱۰۰-۱۰۱). هم‌چنین در آیه ۱۸۷ سوره آل عمران نیز سخن از «نبذ میثاق» الهی توسط اهل کتاب است: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتُرُونَ».

شواهد متعدد هم‌چون کاربرد مکرر ذنب در سیاق سخن از عهد و میثاق و وعده‌های الهی، هم‌چنین عدم وجود هم‌زاد ذنب در معنای گناه در هیچ یک از زبان‌های سامی، عدم تصریف ساخت‌های ذنب در قرآن کریم و نیز وجود تعبیر «نبذ عهد» و «نبذ میثاق» در قرآن کریم، این فرضیه را مطرح می‌سازد که ذنب صورت مقلوب از ماده «نبذ» است، به این معنا که درباره‌ی واژه ذنب، قلب در حروف^۱ رخ داده است. در صورت پذیرش این فرضیه، مؤلفه اصلی ذنب، «بی توجهی» و «به دور افکندن» [عهد و میثاق با مافوق] است. در تمامی موارد کاربرد ذنب در قرآن کریم (در رابطه میان بندگان و خدا و نیز در روابط میان فردی)، سه مؤلفه عهد و پیمان، مافوق و بی توجهی وجود دارد (نک: آگهی، ۱۳۹۸ش، سراسر اثر).

علاوه بر شواهد پیش گفته در موارد هم نشینی، این معنا از ذنب را می‌توان از طریق رابطه جانشینی انحصاری «خطیئه» از «ذنب» در قرآن کریم نیز اثبات کرد. کاربردهای مفهوم خطیئه در عهد عتیق نیز معادل ذنب در قرآن و نوعی بی توجهی و کوتاهی در عهد و پیمان با مافوق است؛ این مطلب در بخش جانشین ذنب در آیات خواهد آمد.

ب) وعد الله

از جمله مفاهیم موجود در بافت آیات ذنب، «وعدالله» ناظر بر مسئولیت متقابل خداوند در عهد

و پیمان با مؤمنان است. وعد الله در قرآن، وعده به مؤمنان و پیامبران است. وعده الهی به مؤمنان مغفرت و نیز برپایی قیامت و ورود مؤمنان به بهشت است. وعده الله در آیات، همچنین ناظر بر وعده الهی به پیامبران و مؤمنان در یاری و نصرت ایشان در دنیا و آخرت و نیز هلاکت مجرمان با عذاب استیصال است (روم/ ۶ و ۴۷؛ غافر/ ۵۵ و ۷۷؛ ابراهیم/ ۴۹) شرط تحقق وعده تخلف ناپذیر خداوند، وفاداری مؤمنان به عهد الهی در ایمان به خداوند و یاری رسولان اوست (نساء/ ۱۲۲؛ مائده/ ۹؛ توبه/ ۷۱ و ۷۲؛ یونس/ ۴؛ جائیه/ ۳۲؛ لقمان/ ۸؛ فاطر/ ۵؛ زمر/ ۲۰؛ حدید/ ۲۱؛ فتح/ ۲۹). این مفهوم از وعد در قرآن، مشخصاً مرتبط با مفاهیم «نصر»، «فتح»، «صبر» و «هلاکت مجرمان» است.

پ) دیگر مفاهیم

نصرالله نیز با وعده خدا هم‌نشین شده است. به قرینه آیات، منظور از «نصرالله»، کمک و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان در غلبه بر «مجرمان» است. آیات متعدد حاکی از نصرت خواهی پیامبران و مؤمنان است (قمر/ ۱۰؛ مؤمنون/ ۲۶ و ۳۹؛ عنکبوت/ ۳۰). خداوند نصرت و یاری مؤمنان را بر خود فرض کرده است (۴۷ روم). تمایل و گرایش مؤمنان به کافران به منزله ذنب (قصور در تکلیف) است و موجب محرومیت از نصرت الهی خواهد شد (هود/ ۱۱۳).
دقت در آیات نشان می‌دهد نصرت‌خواهی و دعا برای غفران ذنوب در یک بافت هستند (بقره/ ۲۵۰ و ۲۸۶؛ آل عمران/ ۱۴۷). بافت آیات «نصر» نشان می‌دهد با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فشارهای مختلف، مؤمنان به شدت منتظر رسیدن نصرت الهی بودند. حتی پیامبر اکرم (ص)، اطلاعی از زمان رسیدن نصرت الهی ندارد (اعراف/ ۱۸۷؛ شوری/ ۱۷) و آیات در پاسخ به سؤال از زمان نصرت الهی، آن را قریب و نزدیک شمرده است (صف/ ۱۳؛ بقره/ ۲۱۴).

به همین ترتیب، صبر نیز با وعد خدا هم‌نشین شده است. مفهوم «صبر» در بافت «نصرت» و «وعده» الهی، شکیبایی در رسیدن وعده نصرت به پیامبران و مؤمنان است (غافر/ ۵۵؛ انعام/ ۳۴؛ یوسف/ ۱۱). صبر و استقامت از جمله تکالیف پیامبر اکرم (ص) (شوری، ۱۶) و نیز مؤمنان (هود/ ۱۱۲) در زمینه وعده الهی است.

فتح نیز با وعده الله هم‌نشینی دارد. منظور از «فتح» در قرآن، مطلق پیروزی مؤمنان بر «مجرمان» است (نساء/ ۱۴۱-۱۴۲) و فتح‌طلبی دعای مشترک پیامبران الهی و مؤمنان است (اعراف/ ۸۹؛ شعرا/ ۱۸؛ ابراهیم/ ۱۵). مفاهیم فتح و نصر در آیات هم‌نشین هستند و مشروط به

پایبندی به عهد الهی و تلاش راستین، بشارت فتح و نصرت به مؤمنان داده شده است (انفال / ۱۹؛ مائده / ۵۲). سوره نصر (آیه ۱)، سوره صف (آیه ۱۳) و سوره فتح (آیات ۱، ۱۸، ۲۷) اشاره به «فتح» و نصرت بر مشرکان و کافران است. غفران ذنب مؤمنان و پیامبر اکرم (ص) نیز مرتبط با مسئله فتح و نصرت الهی است (فتح / ۱-۲؛ نصر ۳).

۳. رابطه استغفار و ذنب با عهد الهی

از مفاهیم حوزه معنایی گناه در قرآن، «استغفار» منحصرأ در هم‌نشینی با ذنب و ذنوب به کاررفته است. مطابق آیات، «غفران ذنوب» گاه در نتیجه وفاداری به عهد و پیمان الهی و گاه در نتیجه استغفار از «ذنب» است. این استغفار توسط خود شخص (انفال / ۳۳؛ نساء / ۶۴ و ۱۱۰؛ مائده / ۷۴؛ بقره / ۱۹۹) یا رسولان الهی هم‌چون واسطه عهد الهی است (نساء / ۶۴؛ یوسف / ۹۷؛ اعراف / ۱۵۱). آیات استغفار نیز اشاره به کوتاهی و استعجال مؤمنان در امور مربوط به نصرت و پیروزی الهی است (فتح / ۱۱؛ نوح / ۲۸). برخلاف نگاه ارتکازی، غفران ذنوب در قرآن، غالباً به تبع استغفار و طلب غفران نیست؛ بلکه امری از جانب خداوند است که پایبندی عملی به عهد و پیمان الهی مقدمه و زمینه ساز آن است.

الف) جاننشینی خطیئه از ذنب در عهد عتیق

ریشه عبری «حط»^۱ با ۴۵۹ کاربرد، پربسامدترین مفهوم در اشاره به گناه در عهد عتیق است و به نوعی قصور و کوتاهی، در انجام (یا تکمیل) تکالیف در برابر مافوق (الهی یا انسانی) اشاره دارد که مستوجب کیفر است. «حط» ریشه شناخته شده در غالب زبان‌های سامی (Gesenius, 1955) دارد (Leslau, 1987, 268; Jastrow, 1950, 447, 306) و معادل «خطیئه» در زبان عربی است.

در عهد عتیق، «حط» بیش از آن که به گناه در مفهوم کلامی^۲ آن اشاره داشته باشد، به نوعی قصور در تکلیف در تعامل دوسویه با مافوق اشاره دارد. نمونه‌های متعدد از کاربرد «حط» در معنای «قصور» و «کوتاهی» در انجام «تکالیف» در تعامل با مافوق (مانند خداوند، پیامبران و پادشاهان) است؛ مثلاً، درباره دو زندانی همراه یوسف (ع) که متهم به قصور در وظیفه و تکلیف در برابر فرعون بودند، با تعبیر «حط» یاد شده است. هم‌چنین روین (بزرگ‌ترین برادر یوسف) نیز اعتراف می‌کند که

1 טח

2. Theological concept

برادران درباره یوسف مرتکب «حط» شده‌اند. اعتراف به خطا توسط برادران یوسف در آیات قرآن نیز دوبار با لفظ خاطی آمده است (یوسف/ ۹۱ و ۹۷). خاطی ناظر بر کوتاهی برادران یوسف در پیمان با مافوق خود (یعقوب) در نگهداری از یوسف است (یوسف/ ۱۱-۱۲).

«حط»^۱ هر سطح کوتاهی در انجام تکالیف در برابر مافوق است؛ زیرا شایسته است فرد تابع از مافوق خود اطاعت کند؛ بنابراین، «حط» اشاره به عملی خاص دارد و قصور و ناکامی در آن به معنای عدم شایستگی دائمی یا کلی نیست؛ بلکه عملی مشخص همراه با نتایج حاصل از آن است. در تقابل با مفهوم «حط» در عهد عتیق، «صادق»^۲ کسی است که در یک «تعامل» یا «توافق»، «تکالیف» مرتبط با مطالبات طرف مقابل را به درستی انجام می‌دهد و کوتاهی نمی‌کند؛ چنین شخصی، وفادار و وظیفه شناس است (Lipinski, 2007, 18:621-622).

ب) در قرآن کریم

«خطیئه» و صورت‌های جمع آن در هم‌نشینی با مفاهیم «غفران» و «عذاب»، جانشین انحصاری «ذنب» و «ذُنوب» در آیات هستند (نوح/ ۲۵؛ اعراف/ ۱۶۱؛ شعرا/ ۵۱؛ طه/ ۷۳). دیگر مفاهیم گناه هیچ جانشینی از ذنب ندارند. نکته قابل توجه، محدودیت و انحصار کاربرد «خطیئه» در قرآن به بافت آیات بنی اسرائیل است. این کاربرد قابل توجهی است زیرا بنا بر نتایج ریشه‌شناسی، «خطیئه» وام واژه‌ای سریانی «خطیئه»^۳ است (Costaz, 1984, 102). در نتیجه، قرآن کریم برای «ذنب اهل کتاب» از مفهوم شناخته شده برای ایشان یعنی «خطیئه» استفاده کرده که شاهدهی بر رابطه بینامتنی^۴ میان قرآن و عهد عتیق در بحث گناه است. طلب غفران ذُنوب در قرآن با ساخت «استغفار» و طلب غفران خطایا و خطیئات با لفظ «حطه» است.

دقت در آیات و روابط هم‌نشینی و جانشینی نشان می‌دهد، سه ساخت «خطیئه»، «مجرم» و «فاسق» به صورت انحصاری و سه ساخت «ذنب»، «ذُنوب» و «خاطی» به صورت غالبی، در بافت پیمان‌های الهی و شرعی، ناظر به پیمان شکنی و قصور در تکالیف در برابر خداوند هستند و از آن‌ها می‌توان هم‌چون الگوی «ذنب محور» از گناه در قرآن یاد کرد. در این الگو آنچه عمل را

1 טח

2. zaddik

3. 

4. Intertextuality

گناه آلود ساخته، ذات عمل انجام شده نیست؛ بلکه قصور در پیمان و قرارداد با مافوق است که به ناهنجاری در رابطه می‌انجامد. به عبارتی این مفاهیم به گناهان از سر قرارداد و پیمان اشاره دارند و در مقابل الگویی از گناه در قرآن هستند که به گناهان ذاتی و عینی اشاره دارند.

نتیجه مهم دیگر این که ذنب و خطیئه مفاهیمی کاملاً نسبی هستند؛ به این معنا که ذنب و خطیئه افراد متناسب با نوع عهد و پیمان و سطحی که مورد بی توجهی و غفلت قرار گرفته، متفاوت است. جالب اینجاست که از مفاهیم گناه در قرآن نیز تنها دو واژه ذنب و خطیئه درباره پیامبران الهی به کاررفته است. بنابراین، ذنب انبیا، مفهومی متفاوت از ذنب دیگران دارد و بایست براساس نوع پیمان ایشان و چگونگی خلل در آن معنا شود.

پ) ارتباط تکلیف پیامبران با عهد الهی

حال که مشخص شد، ذنب و ذنوب در سیاق عهد و میثاق با مافوق مطرح شده است؛ درباره ذنب پیامبر اکرم (ص) نیز بایست به دنبال نوعی عهد و میثاق در رابطه با مافوق بود و این معنا از ذنب را در آیات آزمود. در آیه هفتم سوره احزاب، از میثاق محکم خداوند با پیامبران سخن رفته که مرتبط با مقوله رسالت است: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقاً غَلِيظاً».

مطابق آیات متعدد که در روابط هم‌نشینی با ذنب اشاره شد، تکالیف پیامبران از جمله پیامبر اکرم (ص) در این میثاق غلیظ، صبر و استقامت، عدم استعجال در وعده الهی، عدم رکون و تمایل به دشمنان تا رسیدن وعده الهی یعنی فتح و نصرت است. هر عملی در هر سطح که با این میثاق مغایرت داشته باشد، بی توجهی به این پیمان و نوعی ذنب تلقی می‌شود. صبر و استقامت از جمله تکالیف پیامبران و مؤمنان در عهد و میثاق الهی است (هود/۱۱۲).

آیات متعدد با تأکید بر حقانیت وعده الهی، پیامبر اکرم (ص) را از استعجال نهی و امر به صبر و استقامتی شایسته پیامبران اولوالعزم می‌کند (احقاف/ ۳۵). آیات با یادآوری وعده تخلف ناپذیر الهی و تسکین خاطر، پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان را به تاب آوری و استقامت دعوت کرده تا در برابر مکر دشمنان در تنگنا قرار نگیرد (نحل/ ۱۲۷) و درباره بی صبری و عجله در وعده و حکم خداوند از همانندی پیامبر با صاحب الحوت در استعجال بر عذاب (قلم/ ۴۸) یا تمایل به دشمنان هشدار می‌دهد (انعام/ ۳۵؛ هود/ ۱۱۳؛ اسراء/ ۷۳) که همگی مرتبط با میثاق پیامبری است. در صورت وفاداری پیامبران و مؤمنان به عهد الهی و استقامت بر آن، خداوند نیز با وفای به عهد خویش، نصرت و فتح را محقق خواهد کرد.

۴. آیات مرتبط با ذنب پیامبر

الف) آیه ۵۵ سوره غافر

غافر، چهل و سومین سوره قرآن و اولین آیه در اشاره به ذنب پیامبر اکرم (ص) است. در این آیه، «وعدالله» (نصرت و فتح) حق شمرده شده و با امر به استغفار از ذنب، پیامبر اکرم (ص) را دعوت به شکیبایی کرده است. بافت آیات، خبر از نصرت الهی برای پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان در دنیا و آخرت است: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر، ۵۱). آیات با اشاره به داستان حضرت موسی و مؤمن آل فرعون در رویارویی با دشمنان، آن را مایه تذکر و هدایت اولوالالباب دانسته و در ادامه در آیه ۵۵ با فاء تفریع، پیامبر اکرم (ص) را امر به صبر بر «وعدۀ» حق خداوند و استغفار از ذنب و «تسبیح» می‌دهد.

با توجه به قرائن می‌توان گفت، این ذنب مرتبط با وعده الهی در نصرت بر کافران و توفیق و پیشرفت دین است که نظیر آیه ۲۱۴ سوره بقره است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصَرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ». مضمون آیه گزارش حالات مشترک رسولان الهی و مؤمنان در اوج فشارها و سختی‌ها و نصرت‌خواهی ایشان بر دشمنان است که پیام مهمی برای پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان زمان نزول قرآن دارد و نصرت الهی بر دشمنان را نزدیک می‌شمرد.

در فاصله اندکی با سوره غافر، سوره یوسف نازل شده (پنجاه و سومین سوره قرآن) که آیات ۱۰۹-۱۱۰ به مطلبی مشابه اشاره دارد: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى... حَتَّى إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِيَ مِنْ نَشَاءٍ وَ لَا يَرِدُ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» ظاهر آیات خبر از یأس رسولان الهی به دلیل تأخیر در وعده نصرت و فتح است، سپس از نصرت ایشان خبر می‌دهد. آیه بعد، داستان انبیاء و هلاکت دشمنان ایشان را سخنی نه دروغ، بلکه مایه عبرت اولوالالباب می‌شمرد. نزول سوره یوسف مربوط به اواسط دوران مکی و شدیدترین فشارها از جانب کافران و مشرکان است و آیات با بیان سنت الهی و بشارت به تحقق وعده نصرت، تسلی بخش پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان در سختی‌هاست.

به گواهی قرآن، پیامبران از لحاظ خصوصیات بشری مانند دیگر انسان‌ها هستند (کهف/ ۱۱۰). برخی آیات یادآور سرشت بشری پیامبران است. آیات از احساس تنگی سینه پیامبر اکرم (ص) بر اثر نزول آیات (اعراف/ ۲) و نیز در نتیجه اقوال مشرکان خبر داده است (هود/ ۱۲). آیاتی

حاوی نهی پیامبر اکرم (ص) از مواردی هم‌چون استعجال در عذاب مشرکان، عجله در تلقی وحی (قیامت/ ۱۶) یا مشقت انداختن جان عزیزش در راه هدایت دیگران است (طه/ ۲؛ کهف/ ۶؛ فاطر/ ۸). از این دست آیات، سؤال درباره‌ی اذن پیامبر اکرم (ص) به منافقان در ترخیص از جنگ قبل از شناخت ایشان است (توبه/ ۴۳).

اقتضائات بشری در دیگر پیامبران نیز وجود دارد، از جمله حضرت یونس (ع) درباره‌ی عجله در امر یاری خداوند و خروج زود هنگام از قوم خویش (انعام/ ۸۷) حضرت داوود (ع) در مسئله داوری و آزمایش الهی (ص/ ۲۴) و حضرت موسی (ع) در قتل قبطی (قصص/ ۱۶). اما پیامبران اولوالعزم به اقتضای مسئولیت سنگین و میثاق عظیمی که عهده‌دار آن اند، بایست با وجود سختی‌ها از عجله و تمایل به دشمنان پرهیز کنند (هود/ ۱۱۳) و با تسلیم در برابر اراده، حکم و امر خداوند، تا رسیدن وعده‌ی الهی، صبر و استقامتی شایسته داشته باشند (احقاف/ ۳۵).

قدرت پوشالی مشرکان، آزار و اذیت‌های ایشان خصوصاً در شرایط سخت مکه، گذشت چندین سال از وعده‌ی الهی در دوران مدینه، باعث نگرانی پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان نسبت به آینده اسلام به مقتضای طبیعت بشری بود که تحقق وعده‌ی الهی در یاری پیامبران را کند شمرده و خواستار استعجال بر فتح و ظفر بودند. از این جهت، آیات ایشان را به صبر و استغفار با اذکار تهلیل و تسبیح دعوت می‌کند که اشاره به تنزیه خداوند از خلف وعده به پیامبران است (نک: قرشی، ۱۳۷۱ش، ۳/ ۲۶). باید دانست این گونه حالات در شرایط بسیار سخت به نفس انسان ورود می‌کند و استغفار و ذکر خداوند مانع از جا گرفتن آن‌ها در نفس می‌شود، بنابراین، لازم است ایشان در طلب حفظ و مصونیت و استغفار برآیند.

ب) آیه ۱۹ سوره محمد

«فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَ مَثْوَاكُمْ». از لحاظ ترتیب نزول، سوره محمد قبل از دو سوره نصر و فتح، دومین امر به پیامبر اکرم (ص) برای استغفار از ذنب است. آیه ۱۸ می‌فرماید: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ». این آیه از انتظار کافران و مشرکان برای «الساعة» و نیز «رسیدن اشراط الساعة» یعنی نشانه‌های قطعی بر وقوع آن حکایت دارد. شایان ذکر است تطبیق همه موارد «الساعة» بر قیامت توسط مفسران، موجب بدفهمی آیات شده است؛ در حالی که بنابر قرائن در برخی آیات، «الساعة» زمان رسیدن وعده‌ی الهی بر نصرت پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان و نیز هلاکت کافران است (نک: جاثیه/ ۳۲؛ قمر/ ۴۶؛ انعام/ ۴۱؛ اعراف/ ۱۸۷؛ احزاب/ ۶۳).

«الساعة» اگر به معنای زمان رسیدن نصرالله به پیامبر و مؤمنان باشد، رسیدن اشراط در آیه ۱۸ به معنای رسیدن نشانه‌های نصرت الهی و قریب الوقوع بودن آن است و این معنا قابل فهم‌تر است؛ اما اگر «الساعة» را به رسیدن نشانه‌های قیامت معنا کنیم، مفهوم آیه ۱۸ و ارتباط آن با استغفار در آیه ۱۹ دچار مشکل می‌شود. معمولاً در آیاتی که الساعه، زمان تحقق وعده خداوند در نصرت پیامبر و مؤمنان است، مشرکان درباره زمان تحقق وعده خداوند سؤال دارند و قرآن آن را زمانی غیر دور و نزدیک (قریب) تعریف می‌کند (سبا/۳)؛ همان‌گونه که در دیگر آیات، نصرالله را هم قریب می‌داند (بقره/۲۱۴). بنابراین، «الساعة» در برخی آیات همان «نصرالله» است و نسبت صفت «قریب» به هر دو در آیات، مؤیدی دیگری است.

با تفسیر نادرست «الساعة» به «قیامت» و عدم توجه به وجود فاء عطف در ابتدای آیه ۱۹، مفسران متوجه ارتباط آیه ۱۸ و مفهوم اشراط الساعه با ذنب پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان نشده و وجه بعیدی را ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۹/۱۵۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۸/۲۳۷). آیات ۱۸-۱۹ با اخبار از رسیدن نشانه‌های «الساعة»، به پیامبر اکرم (ص) امر فرموده از ذنب خود و مؤمنان استغفار کند. ظاهر آیه از تحقق نشانه‌های نصرت پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان و قطعی الوقوع بودن آن حکایت دارد. سوره محمد نود و پنجمین سوره از قرآن است و در سوره‌های قبل از آن باید به دنبال «اشراط الساعه» یعنی نشانه‌های تحقق وعده نصرت الهی بود.

سوره روم، هشتاد و چهارمین سوره از قرآن و مربوط به اواخر دوره مکی است. آیات ابتدایی این سوره را مرور می‌کنیم:

عُلِبَتِ الرُّومُ (۲) فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳) فِي بَعْضِ بَيْنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يُؤْمِذُ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۵) وَ عَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶).

آیه سوم و چهارم سوره روم، پیشگویی قرآن از غلبه روم بر فارس در زمانی کم‌تر از ده سال است (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۸/۴۶۱). آیه ۴ و ۵ سوره روم خبر از خشنودی مؤمنان در این روز (یعنی پیروزی رومیان) به واسطه رسیدن «نصرالله» می‌دهد. غالب مفسران دلیل خوشحالی مؤمنان را در شکست سپاه فارس (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۸/۴۶۰) یا اثبات حقانیت قرآن با تحقق پیشگویی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۶/۱۵۵)؛ اما دقت در آیه نشان می‌دهد دلیل فرح و خوشحالی مؤمنان، نه آنچه مفسران ذکر کرده‌اند؛ بلکه تقارن یا نشانه بودن پیروزی رومیان با رسیدن «نصرالله» که وعده تخلص‌ناپذیر الهی بر نصرت و پیروزی پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان و نیز

«امرالله» (به معنای زمان هلاکت مشرکان در قرآن) است (روم/ ۶ و ۴۷؛ غافر/ ۵۵ و ۷۷). آیات پایانی سوره روم نیز امر به صبر در بافت تحقق وعده الهی است: فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (روم/ ۶۰).

آیات ابتدایی سوره روم در اواخر دوران مکی نازل شده و برای تحقق وعده الهی (الساعة) و رسیدن نصرالله، محدوده زمانی بین سه تا نه سال (بضع سنین) تعیین می‌کند و بشارت می‌دهد به همزمانی این وعده با غلبه روم بر فارس دارد که در حقیقت تعیین اشراف «الساعة» است. طبرسی نیز از هم‌زمانی غلبه رومیان بر فارس با صلح حدیبیه (فتح مبین) خبر داده است (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۸/ ۴۶۰).

از این‌جا مشخص می‌شود که در زمان نزول آیات ۱۸ و ۱۹ سوره محمد، بایست اخبار «پیروزی رومیان بر فارس» به حجاز رسیده باشد و هم‌چون نشانه‌های رسیدن وعده الهی در پیروزی بر مشرکان، امیدها بر رسیدن نصرت الهی در زمانی بسیار نزدیک باشد. آیه ۱۹ سوره محمد از پیامبر اکرم (ص) می‌خواهد با توجه به رسیدن نشانه‌های نصرت، از ذنب خود و مؤمنان استغفار کند. ذنب به قرینه آیات، مرتبط با این وعده الهی و مواردی نظیر بی‌صبری و استعجال (احقاف/ ۳۵) و نیز یأس از رسیدن نصرت الهی (بقره/ ۲۱۴) است.

پ) دیگر آیات

آیه ۳ سوره نصر از دیگر موارد اشاره به ذنب پیامبر اکرم (ص) است: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر/ ۳). مطابق روایات ترتیب نزول، سوره نصر، بلافاصله پس از سوره محمد نازل شده و به اجماع مفسران، بشارت نصرت الهی و فتح مکه است (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۱۰/ ۸۴۴). مفاهیم «نصر» و «فتح» و «استغفار» و «تسبیح» در این سوره نیز هم‌نشین شده‌اند و آیات با نزدیک شدن فتح مکه، پیامبر اکرم (ص) را امر به استغفار (از بی‌قراری و استعجال در امر نصر و فتح) و تسبیح پروردگار (و تنزیه او از وعده دروغ به پیامبران و مؤمنان) همراه با حمد (برای رسیدن این وعده) نموده است.

از همین قبیل است آیات ۱-۳ سوره فتح: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا (۱) لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲) وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا (۳)». آیات ابتدایی سوره فتح خبر از رسیدن فتح و نصرت الهی دارد. فتح مبین تعلیلی بر غفران ذنب ماتقدم و ماتأخر پیامبر اکرم (ص) است که حکایت از تناسب این دو مفهوم در هم‌نشینی دارد. آیات بشارت به پیامبر اکرم (ص) است؛ زیرا پس از سال‌ها تحمل سختی و مشکلات، وعده الهی

درباره غلبه بر دشمنان و فتح و گشایش از جانب خداوند تحقق یافت (نور/ ۵۵). بی توجهی به تکالیف مرتبط با پیمان الهی و وعده‌های مرتبط با آن، در مؤمنان با ذنوب و اسراف در امر نصرت و در پیامبران با استعجال بر آن یا یأس از آن نمود و بروز یافته است.

دو واقعه صلح حدیبیه و فتح مکه، تحقق وعدالله درباره پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان به جهت پایداری و مقاومت شایسته بر عهد و میثاق الهی است. آیه دوم سوره فتح به تحقق وعده‌های الهی یعنی فتح، نصرت و یاری رسول الهی و مؤمنان در دنیا، غلبه ایشان بر دشمنان، غفران ذنوب — بی توجهی‌ها به عهد و پیمان الهی — و هدایت به صراط مستقیم اشاره کرده است.

مطابق این نظر، آیه اول تا سوم سوره فتح این گونه معنا می‌شود: ما برای تو فتحی آشکار (صلح حدیبیه) قرار دادیم تا خداوند ذنب دور و نزدیک تو (بی توجهی و خلل در میثاق پیامبری مانند استعجال بر تحقق وعده فتح و نصرت) را بیامزد و نعمتش را بر تو تمام کند، تو را به صراط مستقیم هدایت کند و با نصرتی شکست‌ناپذیر یاری نماید. آیات ابتدایی سوره فتح با خبر از غفران ذنب پیامبر اکرم (ص)، پایانی بر آیات ذنب و استغفار ایشان است. بعد از سوره فتح، هیچ ذنبی در آیات به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده نشده و امر به صبر و استغفار نیز وجود ندارد.

نتیجه

تحلیل ساختار و مطالعه روابط هم‌نشینی و جانشینی، ما را به دریافت معنای دقیق از ذنب پیامبر اکرم (ص) در برش و مقطع زمانی مورد استعمال، یعنی عصر نزول قرآن کریم رسانید. ریشه‌شناسی و نیز بررسی بافت آیات نشان داد؛ ذنب، هیچ ارتباطی با مفهوم ذم و دنباله ندارد؛ بنابراین، آراء (هم‌چون نظر صاحب تفسیر المیزان) که ذنب پیامبر اکرم (ص) را براساس معنای لغوی ذم و دنباله تفسیر نموده‌اند مورد نقد قرار می‌گیرد. از بررسی ساختاری و تحلیل مفاهیم هم‌نشینی و جانشینی با ذنب در قرآن کریم دانسته شد که این مفهوم، ارتباط وثیقی با مفهوم عهد و میثاق با مافوق (الهی و غیرالهی) دارد و بی‌توجهی و کوتاهی درباره مفاد عهد و پیمان یا نادیده گرفتن آن، از مصادیق ذنب است.

ذنب در قرآن کریم، مفهومی کاملاً نسبی و متناسب با سطح بی‌اعتنایی یا نادیده گرفتن کلی عهد و پیمان با مافوق است؛ بنابراین، ذنب درباره مؤمنان، کافران و نیز پیامبران مفهومی متفاوت از یکدیگر دارد. برای تحلیل ذنب پیامبر اکرم (ص) نیز بایست به دنبال نوعی میثاق از جانب مافوق با ایشان در آیات بود. آیات مختلف از مقام پیشوایی و پیامبری، هم‌چون عهد خداوند با

پیامبران یاد می‌کند (بقره/ ۱۲۵)، هم‌چنین به میثاق غلیظ الهی با پیامبران اولوالعزم اشاره دارد. از این پیامبران، صبر و استقامت شایسته و مطابق با اوامر الهی و عدم کوتاهی درباره مفاد میثاق رسالت مورد انتظار است (احقاف/ ۳۵؛ هود/ ۱۱۲).

بررسی روابط ساختاری و تاریخی آیات ذنب و استغفار پیامبر اکرم (ص)، مؤید ارتباط این آیات با میثاق الهی و وعده نصرت و فتح است. مهم‌ترین وعده خداوند در ازای وفای صادقانه به میثاق الهی، دو امر فتح (پیروزی) و نصرت (یاری) پیامبران و مؤمنان در برابر دشمنان است. عدم تحقق طولانی مدت این وعده، در کنار فشارهای مختلف از جانب دشمنان و شدت مشکلات و سختی‌ها، اقتضای عدم صبوری، ایجاد یأس از تحقق وعده الهی و استعجال بر آن را دارد که در چند آیه از پیامبر خواسته شده درباره این حالات طلب استغفار کند. با تحقق وعده الهی در نصرت و فتح پیامبر اکرم (ص)، آیات آغازین سوره فتح، خبر از آمرزش ذنب پیامبر (ص) می‌دهد.

منابع

— علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهرة اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ۲- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ.
- ۴- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۱۳ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، به کوشش محمد عبد السلام عبد الشافی؛ بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۵- ابن کثیر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
- ۷- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۸- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *بحر المحيط فی التفسیر*، به کوشش محمد جمیل صدقی؛ بیروت، دارالفکر.
- ۹- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دارالافتاح الجدیده.
- ۱۰- ازهری، محمد بن احمد (بی تا)، *تهذیب اللغة*، قاهره، الدار المصریه.
- ۱۱- اورلاتو، آنتونی (۱۳۸۴)، *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۲- تستری، سهل بن عبد الله (بی تا)، *تفسیر التستری*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۳- جلالی، مهدی؛ آگهی، فاطمه (۱۳۹۸ش)، «صورت‌بندی گناه در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی مفهوم ذنب»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۶۶.
- ۱۴- خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم، هجرت.
- ۱۵- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، به کوشش محمد عبد الرحمان مرعشلی؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ۱۶- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، تفسیر المسمی معالم التنزیل، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۱۷- بی‌رویش، مانفرد (۱۳۵۵ش)، زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران، انتشارات آگاه.
- ۱۸- دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق)، التفسیر الحدیث، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- ۲۰- سمرقندی، نصر بن محمد (بی‌تا)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت، دارالفکر.
- ۲۱- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۲- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- ۲۳- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن، دار الکتب الثقافی.
- ۲۴- طبیب‌حسینی، سید محمود (۱۳۹۷ش)، «نقد دیدگاه‌های مفسران در مورد استغفار پیامبر از گناه در آیه ۵۵ غافر»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۱۹.
- ۲۵- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ق)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریه.
- ۲۶- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۷- فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک.
- ۲۸- فیض کاشانی، محسن بن محمدمرتضی (۱۴۱۵ق)، التفسیر الصافی، به کوشش حسین اعلمی، تهران، صدر.
- ۲۹- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران، اسلامیه.
- ۳۰- _____ (۱۳۷۷ش)، احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
- ۳۱- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- ۳۲- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۲۰۰۰م)، لطائف الاشارات، قاهره، الیهیئة المصریة العامة

للكتاب.

- ۳۳- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶ق)، *خلاصه المنهج*، تهران، اسلامیه.
- ۳۴- لاینز، جان (۱۳۹۱ش)، *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*، ترجمه کوروش صفوی، تهران، نشر علمی.
- ۳۵- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر.
- ۳۶- مشکوةالدینی، مهدی (۱۳۸۸ش)، «زبان‌شناسی تاریخی»، مشهد، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، شماره ۳ - ۴.
- ۳۷- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه.
- 38- Costaz, L, (1984), *Syriac-English Dictionary*, Beirut.Dar El-Mashreq.
- 39- Gesenius, W, A (1955), *Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, Oxford,
- 40- Jastrow, M. A (1950), *Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*, New York, Pardes Publishing House.
- 41- Leslau, W, (1987), *Comparative dictionary of Geez (classical Ethiopic)*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- 42- Lipinski,Edward (2007), "Sin", *Encyclopedia Judaica*, ed. Michael Berenbau, New York, Macmillan Reference.
- 43- Orel , V.E. & Stolbova, Olga V, (1994), *Hamito-Semitic Ethimological Dictionary*, Leiden, Brill.